

ارزش ادله‌ی اثباتی ناشی از نقض حریم خصوصی افراد، با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام (ره)

حسین جاور*

محدثه اصولی یامچی**

چکیده: چون حریم خصوصی، از جمله حقوق بنیادین و مرتبط با شخصیت و حیثیت معنوی اشخاص به شمار می‌رود و برخورداری از دادرسی عادلانه نیز یکی از هنجارهایی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد و با توجه به اینکه گاه، به سبب بی‌توجهی افراد و نهادها به حریم جسمانی، مکانی، ارتباطاتی و اطلاعاتی اشخاص، به حقوق مربوط به حریم خصوصی و حق برخورداری از دادرسی عادلانه، منصفانه و توأم با امنیت حقوقی و اجتماعی اشخاص تجاوز می‌شود، لازم است تأثیر ادله‌ی تحصیل شده از رهگذر نقض حریم خصوصی در هنگام تحقیق و دادرسی ارزیابی شود.

چنانچه در مقام تحقیق و دادرسی، ادله‌ای که علیه افراد استفاده می‌شود، از راه غیر قانونی و با نقض حریم خصوصی آن‌ها به دست آید، تأسیسات حقوقی و از جمله کیفیت ارزش‌گذاری این نوع ادله، در مقام اثبات، باید در پرتو حمایت حقوقی از حریم خصوصی افراد تعریف شود. همچنین ادله‌ی اثباتی علاوه بر اینکه باید در مقام دادرسی، قدرت کافی برای اثبات مدعا داشته باشند، آنها، باید از طرق متعارف و بدون نقض حریم خصوصی به دست آمده باشند. از این رو، حضرت امام خمینی (ره) بعد از آن که در بند ۶ فرمان هشت ماده‌ای سال ۱۳۶۱، بر لزوم رعایت حریم مکانی و ارتباطی اشخاص اشاره و مقامات را از تجسس در آن حوزه منع می‌کند، در بند ۷ این فرمان، ضمن حمایت قاطع از برخورد با مفسدان، چنانچه مأموران، ناخواسته و در ضمن عملیات تجسس، به آلات قمار و فحشاء و سایر مسائل انحرافی مثل مواد مخدر، برخوردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشاء کنند، چرا که افشاء از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعی را ندارد.

در نتیجه، چنانچه ادله‌ی اثبات دعوی، با نقض حریم خصوصی افراد به دست آمده باشد، قاعدتاً نمی‌تواند در مراجع ذیصلاح منشأ جریان آثار حقوقی و از جمله مبنای محکومیت کسی که این ادله علیه وی استفاده شده، قرار گیرد در فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام (ره) این نتیجه به طور کامل بیان شده است.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، ادله‌ی اثباتی، روش تحصیل، فرمان هشت ماده‌ای، حیثیت معنوی

* عضو شورای علمی گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

Email: h.javar@Yahoo.com.

** پژوهشگر گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

مقدمه

در کشورهای گوناگون، نظام‌های حقوقی، درباره‌ی اصل ضرورت تحصیل دلیل از مجرای قانونی یا به عبارت دیگر، در اصل صحت تحصیل دلیل، هیچ تردیدی ندارند و به نظر می‌رسد با این اتفاق نظر، می‌توان اصل یاد شده را، با کمی مسامحه، در زمره‌ی اصول کلی حقوقی و از اصول بنیادین و جهان شمول دانست.

علاوه بر این، بازتاب بین‌المللی حمایت از این اصل و ورود آن در قلمرو کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، تا حدود زیادی به این وحدت دیدگاه کمک کرده است.

اگرچه در حقوق مغرب زمین، اصل صحت تحصیل دلیل و منع از تحصیل آن از مجاری غیرقانونی، تا حدودی نوظهور است و مبتنی بر مباحث حقوق بشری رشد پیدا کرده اما در حقوق اسلامی، این بحث، از مباحث کهن و ریشه‌داری است که در متون اسلامی و از جمله قرآن کریم، کلمات معصومین و در ادبیات فقهی و اخلاقی علمای بزرگ اسلامی به آن توجه ویژه شده است.

از فقیهانی که به این امر مهم بسیار توجه کرده‌اند، حضرت امام خمینی (ره) است. ایشان علاوه بر بیان این مطلب در بیشتر نوشتارهای خویش، پس از تشکیل حکومت اسلامی و دریافت گزارش‌های پی در پی درباره‌ی سهل‌انگاری به برخی احکام شرعی و حقوق مردم و تجاوز به حریم افراد، به طور خاص نیز ضمن فرمانی، که بعدها به فرمان ۸ ماده‌ای معروف شد، دستورهای مهمی را در این باره صادر کردند البته تاکنون، چندان که شایسته‌ی این فرمان است، به مبانی نظری و تحلیلی آن توجه نشده است. به ویژه به دیدگاه فقهی ایشان درباره‌ی اصل یاد شده و ضمانت اجرای آن کمتر توجه و این موضوع کمتر بررسی شده است.

محتوای فرمان

محتوای فرمان هشت ماده ای را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد که یکی از آنها به تعیین حوزه‌ی دخالت کارگزاران و دولت اسلامی در زندگی خصوصی افراد مربوط است. (بندهای ۴ تا ۷). و در این نوشتار، این محور بررسی خواهد شد

در این چهار بند، مطالب زیر مطرح شده است:

- ۱- احضار و توقیف افراد، بدون حکم قاضی که بر اساس موازین شرعی صادر شده، جایز نیست و تخلف از آن، موجب تعزیر است.
- ۲- تصرف در اموال منقول و غیر منقول، بدون حکم حاکم شرعی که بر اساس موازین شرعی صادر شده، جایز نیست.
- ۴- ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد، برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، بدون اذن صاحب خانه ممنوع است.
- ۵- شنود تلفن و گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران، به نام کشف جرم، جایز نیست.
- ۶- تجسس درباره‌ی گناهان غیر و دنبال اسرار مردم بودن جایز نیست.
- ۷- فاش ساختن اسرار مردم، جرم و گناه است.
- ۸- تجسس، در صورتی جایز است که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی، که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند، صورت گیرد که کار آنان مصداق افساد فی الارض است.

۹- در صورت نیاز به تجسس، باید دادستان دستور دهد و ضوابط شرعی نیز رعایت شود.

۱۰- اگر مأموران قضایی به خطا به منزل شخصی و یا محل کار خصوصی وارد شدند و به آلات لهو و قمار و فحشا و مواد مخدر برخوردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند و هیچ کس حق ندارد حرمت مسلمان را هتک و از ضوابط شرعی تعدی کند و حق جلب آنان

را نیز ندارد و تنها باید نهی از منکر کنند.

۱۱- کسانی که شغل آنان، گردآوری و توزیع مواد مخدر است، آنها مصداق مفسد فی الارض هستند و علاوه بر ضبط مواد، باید آنان را به مقامات قضایی معرفی کرد.

۱۲- قضات حق ندارند برای اجازهی ورود مأموران به منازل یا محل کار افراد که نه خانهی تیمی است و نه محل توطئه علیه نظام، حکم صادر کنند.

درباره موضوع این نوشتار این سؤالات را می‌توان طرح کرد:

مفهوم ادله اثباتی که از طریق نقض حریم خصوصی تحصیل شده چیست و ارزش گذاری آن از نظر آثار حقوقی چگونه است؟

۱- مبانی نظری (فقهی و حقوقی) لزوم تحصیل دلیل از طرق مشروع و منع استفاده از طرق غیر مجاز در تحصیل دلیل، کدام است؟

۲- ضمانت‌های اجرایی مدنی و کیفری این موضوع کدام است؟ در ادامه پاسخ‌های این پرسش‌ها بررسی می‌شود

چگونگی تحصیل دلیل در برابر تضمینات حق دفاع

الف) مفهوم «تحصیل دلیل به روش قانونی»

یکی از اصول حقوق کیفری، اصل قانونی بودن محاکمات جزایی است. (آزمایش، ۱۳۸۱، ص ۶۱) به این معنا که باید کشف، تحقیق، تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات‌ها طبق قانون از قبل تدوین شده صورت پذیرد. و هر یک از مقامات آن‌گاه می‌توانند اتهاماتی را به متهم نسبت دهند که دلایل مجرم بودن وی را به دست آورده باشند. اصل قانونی بودن محاکمات باید در تمامی مراحل دادرسی کیفری و از جمله در مرحله «تحصیل دلیل یا دلایل اتهام» نیز مراعات شود. به عبارت دیگر، اصل قانونی بودن بر «تحصیل دلیل» نیز حاکم است و بنابراین پلیس و دادستان موظف‌اند، دلایل اتهامات نسبت داده شده به متهم را به



روش‌هایی که قانون اجازه داده، به دست آورند.

دلیلی را که مأموران با روش فوق به دست آورده باشند، وجاهت قانونی ندارد و نمی‌تواند ارزش اثباتی داشته باشد. این مطلب در اصطلاح دادرسی کیفری این‌گونه بیان می‌شود که دلیل کیفری، نه تنها باید خود، مشروعیت داشته و از جمله‌ی ادله‌ی معتبر قانونی باشد، بلکه نحوه و طریقه‌ی تحصیل آن نیز باید وجاهت قانونی داشته باشد. در غیر این صورت، استفاده از چنین دلیلی برای اثبات جرم با حقوق اساسی متهمان، مغایر و ناقض اصول دادرسی عادلانه و منصفانه است.

دلایل و شواهدی که بدون رعایت احکام قانون، گردآوری شده باشد، بی‌اعتبار بوده و قاضی نمی‌تواند با استناد، به آن، حکم کند. این موضوع در فرایند کیفری، بر اصل مهم «لزوم تحصیل دلیل به روش قانونی» تأکید می‌کند و قاضی در هر شرایطی باید آن را رعایت کند و به محض دریافت دلایل اتهام از دادستان، باید یقین کند که دلایل یاد شده به روش قانونی به دست آمده است و آن‌گاه به برگزاری جلسه‌ی محاکمه اقدام کند. مگر اینکه دادرس بنا بر اصل صحت، عمل مأموران و ادله‌ی تحصیل شده را محمول بر صحت بداند. در این صورت نیز اگر با ایرادگیری متهم و یا قراین دیگر، درباره‌ی صحت ادله تردید شود، دادرس، باید در این باره نیز رسیدگی لازم را برای اطمینان از تحقق دادرسی عادلانه به عمل آورد.

ب) ضرورت «تحصیل دلیل به روش قانونی» در فرایند کیفری

یکی از موازین اصل «دادرسی عادلانه» این است که دلایل اتهام باید به روش قانونی به دست آید و از به کارگیری روش‌های غیرقانونی در برخورد با متهم پرهیز شود و حقوق اساسی متهم پایمال نشود، زیرا در غیر این صورت، خطر محکوم شدن افراد بی‌گناه افزایش می‌یابد. در شرع مقدس اسلام نیز عادلانه بودن حکم (محاکمه) جایگاه والایی دارد و بارها بر اهمیت و ضرورت آن تأکید شده است. مثلاً خداوند در قرآن کریم و

در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نساء می‌فرماید: (واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل) و به همین دلیل است که در منابع اسلامی یکی از صفات لازم برای قضاوت، عادل بودن قاضی است.

شمول قاعده در حقوق ایران

در حقوق موضوعه ایران، قواعد شکل گرفته بر اساس حقوق اسلام، انواع دلایلی را که در هر طبقه از جرایم باید پذیرفته شود، بیان کرده است. بنابراین رژیم حقوقی ایران در این باره بر اساس سیستم دلایل قانونی شکل گرفته است.

نظام دلایل قانونی، قواعد ثابتی را معین کرده، به قاضی نشان می‌دهد که حکم جزایی را بر اساس کدام سنخ از دلایل استوار و بر دلایل مبنای حکم چه شرایطی را بار کند. این قواعد، قاضی را به رعایت دقیق ضوابط ملزم می‌کند و هنگامی که علم و یقین حاصل در وجدان وی کاملاً بر قالب فرمول‌های قانونی منطبق نباشد، حق صدور حکم محکومیت را به وی نمی‌دهد. بنابراین، قانون‌گذار پیشاپیش و بر اساس برنامه‌ای کلی، ارزش اثباتی دلایل مختلف را تعیین می‌کند.

به طور مثال، یکی از حقوق انسانی هر فرد این است که منزل او از تعرض دیگران، در امان باشد. یعنی توقع این است که افراد در ساعات استراحت در منزل و آغوش گرم خانواده، کمال آرامش و امنیت را داشته و از هرگونه تعرضی در امان باشند. امنیت منزل، به ویژه در شب مهم‌تر است، زیرا خداوند، شب را زمان آرامش و استراحت قرار داده است. امنیت انسان در منزل و به عبارت دیگر امنیت اقامتگاه وی در برابر هر نوع تعرض زمانی فراهم می‌شود که قانون این مسئله را به رسمیت شناخته، از تعرض به آن حریم جلوگیری کند و جز در موارد محدود، آن هم به صورت قانونی، به هیچ وجه اجازه‌ی ورود به آن حریم و تفتیش آن را به مقامات مربوط ندهد، زیرا اگر قانون این‌گونه اقدامات را به صورت

مشخص و شفاف پیش‌بینی نکنند، امنیت اقامتگاه شهروندان به خطر خواهد افتاد و در نتیجه، امنیت جامعه نیز از بین خواهد رفت. و هراس دائمی افراد در داخل منازل‌شان از ورود نیروهای امنیتی خودسر و بی‌اعتنا به قانون به آن، خود از عوامل احساس ناامنی شهروندان خواهد بود. این وضعیت، با جامعه‌ای که در آن قانون حاکمیت ندارد و در شهرهای گروه‌های مسلح مختلفی حاکم هستند و افراد داخل منازل هر لحظه در انتظار ورود نیروها یا سارقان مسلح به منازل هستند (مانند دوران جنگ‌های داخلی در افغانستان) تفاوت چندانی ندارد.

در دین مقدس اسلام، امنیت محل زندگی محترم شمرده شده است. در قرآن مجید بر اهمیت حفظ حریم منزل بدین گونه تأکید شده: «ای مؤمنان، به خانه‌هایی جز خانه‌های خودتان وارد نشوید، مگر آنکه آشنایی دهید و اجازه بگیرید و بر اهل آنها سلام کنید. این امر به خیر شماست؛ باشد که پند بگیرید. و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا آنکه به شما اجازه داده شود، و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه می‌کنید، داناست.»^۱

از آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که اولاً، اصل بر ممنوعیت ورود به منزل افراد و تفتیش آنها است، لذا هیچ فردی، از جمله مأموران دولتی حق ندارد بدون اجازه‌ی فرد یا افراد ساکن در منزل، به آن وارد شود. ثانیاً، پند استثنای این اصل، که بازرسی منازل را مجاز می‌شمارد، داشتن دستور از دادگاه با صلاحیت است؛ آن هم در آن موارد و به روشی که قانون صریحاً اجازه داده باشد.

بنابراین هرگاه ورود به منزل و تفتیش آن در غیر مواردی که قانون اجازه داده، صورت گرفته باشد و در همین حال دلیلی علیه متهم به دست آید، مصداق تحصیل دلیل به صورت غیرقانونی است.

۱. یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسملوا علی اهلها ذالکم خیر لکم لعلکم تذكرون. فان لم تجدوا فیها احدا فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم والله بما تعملون علیم. (نور / ۲۸-۲۷)



مثال دیگر در اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی استراق سمع (شنود) از راه نصب میکروفون یا نصب وسایل تجسسی بر روی خطوط تلفن این گونه آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس، ممنوع است مگر به حکم قانون.» با توجه به این دو مثال، معلوم می‌شود که قاضی باید کوشش کند تا بر مقررات مربوط به دلیل آگاه باشد و بنابراین یکی از مأموریت‌های عمده‌ی قاضی کمک به تحصیل دلایل، بررسی و بازبینی آنها و فراهم کردن شرایط قانونی لازم برای صدور حکم است.

تحصیل دلیل به طریق غیرقانونی، در حقوق خارجی

امنیت اقامتگاه فرد چنان مهم است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز همواره بر آن تأکید شده است. مثلاً، طبق ماده‌ی ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نباید درباره‌ی زندگی خصوصی، خانواده، اقامتگاه و یا مکاتبات افراد، رفتارهای خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون به کار رود و همچنین نباید به طور غیرقانونی به شرافت و حیثیت او به تعرض شود. و بعلاوه، هرکس حق دارد که قانون در مقابل این‌گونه رفتارها یا تعرض‌ها از او حمایت کند. (ارجمند، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱)

بعلاوه، در این باره در ماده‌ی ۱۹۱ قانون دادرسی کیفری ایتالیا آمده است: «دلایلی که با نادیده گرفتن ممنوعیت‌های قانون به قابل استفاده و استناد نخواهند بود». همچنین دادگاه قانون اساسی ایتالیا در رأی شماره ۳۴/۱۹۷۳ خود تأکید کرده است که: «هرگونه اقدامی را که به نادیده گرفتن حقوق اساسی شهروندان منجر شود، نمی‌توان به عنوان دلیل علیه کسانی که اقدام مذکور به ضرر آنان است، مورد استفاده قرار داد.» (شاملو، ۱۳۸۳، ص ۱۹۸)

ماده‌ی ۸ قرارداد اروپایی حقوق بشر نیز حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، اقامتگاه و ارتباط مکاتبه‌ای را تضمین می‌کند. که همین امر نشانگر آن است که تحصیل و تأثیر ادله باید با توجه به احترام

به زندگی خصوصی افراد صورت گیرد. جریان یابد. قانون اساسی جمهوری پرتغال نیز تضمیناتی را که باید آیین دادرسی کیفری فراهم کند، یادآوری کرده و در عین حال، قواعد ابطال دلیل، به طور کامل در مجموعه قوانین آیین دادرسی کیفری که از اول ژانویه ۱۹۸۸ اجرایی شده، پیش‌بینی شده است. همچنین ماده‌ی ۱۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری، موارد ممنوعیت تحصیل دلیل را اعلام کرده است که از جمله‌ی آنها دلایلی است که از راه دخالت در زندگی خصوصی، ورود به اقامتگاه افراد، آگاهی مکاتبه‌ها و مخابرات افراد، بدون رضایت ذی‌نفع، ضمن حفظ موارد پیش‌بینی شده در قانون، به دست آمده باشد.

در یکی از آرای دیوان کشور فرانسه آمده که قاضی نمی‌تواند نتایج به دست آمده از اقدامات افراد زیردست خود را که از هرگونه وسیله‌ای و از جمله حيله استفاده کرده‌اند، به کار گیرد. (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۸) دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در یکی از آرای خود، این نحوه‌ی تحصیل دلیل را مغایر با دادرسی منصفانه شناخته است. در این رأی که علیه پرتغال و در ۹ ژوئن ۱۹۸۸ صادر شده، دادگاه باید فعالیت‌های خود را فقط به بررسی فعالیت‌های بزهکارانه‌ی متهم محدود کند، در غیر این صورت، اصل دادرسی منصفانه را که باید در همه‌ی دادرسی‌ها و درباره‌ی همه‌ی جرائم، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین آنها، رعایت شود، نقض کرده است. (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۳۵۱)

آثار تحصیل دلیل از راه‌های غیرقانونی

برای تأمین حریم جامعه و استفاده از فواید کیفر مجرم، لازم است که هنگام تحصیل دلیل در امور کیفری، برای شناسایی بزهکار و شناخت صحیح اوضاع و احوال جرم و تعیین وصف مجرمانه‌ی رفتاری که باید تعقیب و مجازات شود، کلیه‌ی دلایل به کار گرفته شوند. با وجود این ممکن است مقامات دادرسی و ضابطین دادگستری در فرایند کشف حقیقت به موارد شکلی الزام‌آور و از جمله لزوم تحصیل دلیل از راه‌های متعارف،

بی‌توجهی کرده و آنها را نقض کرده باشند که در این صورت باید به تأسیسات حقوقی لازم، برای تضمین قانونی حقوق مردم در برابر تخلف از موارد یاد شده، توجه شود. و تنها اعلام ممنوعیت مواردی از نقض مرتبط با حریم خصوصی کافی نیست، بلکه باید برای حفظ حقوق افرادی که به نوعی از چنین نقضی آسیب می‌بینند، به طور عملی ضمانت‌اجراهای کافی به کار گرفته شود. این ضمانت اجرا می‌تواند در قالب احکام وضعی (بطلان ادله‌ی به دست آمده) و احکام تکلیفی متناسب (کیفرهای خاص در برابر سوء استفاده از موقعیت مقامات مسئول) از یاد شده حمایت کند. در ادامه موارد نقض، ضمانت اجرا و مبانی آن بررسی خواهد شد.

مبانی و مستندات ضمانت اجرای وضعی و کیفری

اعتماد اجتماعی:

اعتماد اجتماعی بخشی از روابط اجتماعی است که سبب تثبیت بخش نظم اجتماعی می‌شود. وجود عدالت اجتماعی و احساس امنیت و آزادی؛ متغیرهایی هستند که بیشترین نقش را در ایجاد اعتماد اجتماعی دارند. فضای اجتماعی، زمانی آکنده از اعتماد است که شهروندان در زندگی جمعی خویش، از هر نوع تعرض دیگران به حوزه‌ی امن مسکن، فضای ارتباطاتی و دامنه‌ی اطلاعاتی خود در امان باشند. و از سوی دیگر، حکومت، با آموزش کارگزاران و مأموران و تدوین قوانین و در پیش گرفتن روش‌های عملی مناسب، این قسم از امنیت را از نظر قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی به بهترین نحو آماده سازد. بطلان دلیل به دست آمده از رهگذر نقض این گونه حریم‌های امن افراد یا دست‌کم تنزل آن از درجه‌ی دلیل بودن و برخورد شایسته با متخلفان، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در تأمین امنیت و اعتماد اجتماعی اثرگذار باشد. اهمیت وجود دلیل برای کیفر گناهکار تا آن‌جاست که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «اگر هزاران نفر گناهکار، بی‌کیفر بمانند بهتر از آن است که یک نفر بی‌گناه،

برخلاف حق به کیفر برسد".

نظم عمومی:

بر اساس دیدگاه عینی و متکی به ملاحظات مربوط به نظم عمومی شکلی درحوزه تحصیل دلیل، خودداری از محکوم کردن متهم، با استناد به ادله‌ی تحصیل شده از نقض حریم خصوصی، بدان علت نیست که رفتار چنین متهمی در محدوده‌ی نهی قانون‌گذار نیست، بلکه برای آن است که حتی اگر مجرمیت وی از این راه ثابت شود، روش حکومت در اثبات وقوع جرم، روش حمایت‌پذیری نیست. اگر کارگزاران حکومت از راه یاد شده، تحصیل دلیل کنند، محاکم نباید این رفتار ناشایست را با دادن اجازه‌ی محکومیت فرد متهم تأیید کنند. باید به این نکته‌ی اصلی توجه داشت که دادگاه باید خود را موظف بداند که پلیس را در ناحیه تحصیل دلیل کنترل کند و این وظیفه نباید به مواردی که متهم در آنها «بی‌گناه» است، محدود شود.

بنابراین با توجه به وجود این زمینه در حقوق اسلامی جز در موارد بسیار مهم نظیر جرایم سازمان یافته که کشف شدن آن، زیان‌هایی غیر قابل جبرانی را متوجه امنیت و موجودیت نظام اسلامی و امنیت اجتماعی می‌نماید، در بقیه موارد نباید به رفتارهای ناقض حریم خصوصی، علیه شخص موضوع حریم خصوصی، ترتیب اثر داده شود. حتی در مورد اول هم باید تلاش شود این رفتار کاملاً کنترل شده صورت گیرد.

لزوم موثق بودن گزارش ماموران:

از یک سو، در روایات بی‌شمار اخلاقی و فقهی - درباره‌ی جرائم و خطایای شخصی - شخص خطاکار، مردم و حاکم (قاضی) به پوشاندن خطا و گناه ترغیب شده‌اند. به علاوه، متون دینی و اخلاقی آکنده از نواهی تکلیفی و تنزیهی است که مردم را از تجسس و افشای اسرار یکدیگر باز



می‌دارد. دولت‌مردان و قضات نیز از افشای اسرار مردم نهی شده‌اند و آنها نیز به پوشاندن عیوب و خطایای مردم سفارش شده‌اند. (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵) بنابراین در حقوق اسلامی، کشف جرائم شخصی از راه غیر قانونی امر پسندیده‌ای نیست بلکه مذموم بودن آن از جهات یاد شده، ترجیح دارد. و از سوی دیگر، گزارش مأموران، در مقام دادرسی، حداکثر معادل "شهادت کتبی" ارزش دارد و ضرورت "عدالت شاهد" برای پذیرفته شدن مفاد شهادت، از مسلمات فقهی و حقوقی است. آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی مائده و آیه‌ی طلاق و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت دارند. (خویی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۷) در حالی که با ورود غیرمجاز به حریم خصوصی افراد، عدالت مأمور تحصیل‌کننده دلیل، مخدوش، بلکه عادل نبودن وی محرز می‌شود. هر چند ممکن است گفته شود، ادله ابرازی در حد «نظریه کارشناس» مورد توجه قرار گیرد و با بحث شهادت قابل قیاس نیست.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت، تحصیل دلیل توسط مأموران و ضابطان قابل مقایسه با نظر کارشناس نیست. زیرا در کارشناسی، نظریه کارشناس، به نیابت از مقام قضایی و در تشخیص نظر عرف خاص یا عام و در تبیین و تشخیص موضوعات به کار می‌رود؛ در حالی که درباره‌ی حقوق موضوعه نیز در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۸ آمده است که: «گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند». این سؤال بجاست که آیا مأموری که برای کشف جرم، حریم خصوصی را نقض می‌کند، می‌تواند فردی موثق و مورد اعتماد باشد؟ مفهوم ثقه بودن در این تبصره، چیزی بیش از راستگو بودن مأمور است و درستکار بودن مأمور را نیز در برمی‌گیرد. در موضوع یاد شده، چون مأمور مربوط را نمی‌توان مأموری درستکار دانست، گزارش او اعتباری ندارد. هر چند به نظر می‌رسد در موردی که مأمور، به نادرستی عمل خود آگاهی نداشته باشد، دلالت این دلیل بر مدعا، از نوع دلالت تضمینی خواهد بود.

حرمت تجسس:

از دیگر مبانی قابل تأمل درباره‌ی ضرورت به کارگیری ضمانت اجرای مناسب درباره‌ی ارزش دلیل به دست آمده از بستر نقض حریم خصوصی افراد، می‌توان به حرمت تجسس اشاره کرد.

تجسس، عبارت است از تفحص درباره‌ی امور باطنی دیگران؛ چه برای خود باشد و چه برای دیگری؛ چه انگیزه تفحص، امر خیر باشد یا امر شر و چه آن کاری که درباره‌ی آن تفتیش می‌شود، از کارهای خوب باشد و چه از کارهای بد از این رو موضوع آن، عام است و همه‌ی موارد تفتیش را در بر می‌گیرد. (قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۳۳؛ طبرسی، ۱۳۵۰، ص ۱۳۷ و ص ۱۳۷ و ابن منظور، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۸۲) و ممکن است درباره‌ی موارد گوناگونی فرض داشته باشد؛ گاه برای اطلاع از احوال و کارهای دیگران، بدون غرض شخصی یا غرض عقلانی است؛ گاه تنها به قصد اذیت و گاه نیز با غرض عقلانی صحیح صورت می‌گیرد. این غرض عقلانی ممکن است مانند حفظ نظام و دفع اشاعه‌ی فحشاء در جامعه و جلوگیری از جرایم مهم نظیر جرایم سازمان یافته واجب الاستیفاء باشد. همان‌طور که واضح است، موارد اول و دوم، حرام است و ادله‌ی متعددی از کتاب و سنت بر آن دلالت دارد که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- (یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها درباره‌ی دیگران پرهیزید؛ به راستی که برخی از گمان‌ها گناه است. و درباره‌ی همدیگر جاسوسی و کنجکاوی نکنید. و بعضی از شما درباره‌ی بعضی دیگر غیبت نکند.» بر این اساس، خداوند متعال از هرگونه «بدگمانی» درباره‌ی مؤمنان و همچنین هرگونه تجسس و کنجکاوی درباره‌ی امور پنهانی و زندگانی شخصی افراد نهی فرموده است

۱- سوره حجرات / آیه ۱۲



و نکته‌ی دیگر اینکه در صورت آگاه شدن به آن نیز، از پخش آن در میان مردم نهی کرده است.

۲- ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «اگر کسی خطاها، لغزش‌ها و گناهان مؤمنی را که با دو چشمان خود دیده و یا با دو گوش خود شنیده، برای دیگران بازگو کند، او از مصدیق این آیه خواهد بود: (ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره)؛ کسانی که منتشر شدن کار بد را در میان مؤمنان دوست دارند، برای آنان در این دنیا و در آخرت عذابی دردناک خواهد بود. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۵۷) بنابراین، تجسس، مصداق کامل اشاعه‌ی فحشاء به شمار می‌رود و حرمت تجسس هم ثابت است.

۳- همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند: «ثلاثه یعذبون یوم القیامه... المستمع الی حدیث قوم و هم له کارهون»؛ سه گروه هستند که روز قیامت عذاب خواهند شد؛ ... و کسی که به سخنان درباره‌ی قومی گوش می‌کند و آنان از گوش دادن او خوش‌شان نیامده و ناراضی هستند. (حویزی، ۱۴۱۲ ق، ص ۹۳)

۴- امام علی علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر می‌فرماید: «دورترین و کم‌ارج‌ترین افراد در نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به پی‌جویی و کشف و پخش عیوب و اسرار مردم حریص‌تر و بی‌باک‌ترند. برای اینکه نوعاً مردم، دارای لغزش‌ها و عیوبی هستند که حاکم و حکومت برای پنهان نگه داشتن آنها از همه صورت سزاوارتر است برنیا. چون تو فقط مسئول پاک‌سازی جامعه از آلودگی‌های آشکار و ظاهری هستی و درباره‌ی لغزش‌های پنهانی مردم، خداوند خود داوری خواهد کرد. بنابراین، تا جایی که می‌توانی اسرار، لغزش‌ها و عیوب افراد را پنهان نگه دار تا خداوند نیز عیوب و اسراری را که تو دوست داری از دیگران پوشیده بماند، بپوشاند. (فیض السلام، ۱۳۵۱، ص ۹۹۸)

تزام حرمت تجسس با مصالح اهم:

در باب التزام به تفصیل بیان شده که در موارد التزام بین اهم و مهم، از نظر عقلا و شرع و عقل، باید اهم مقدم شود. چه اینکه در بعضی موارد، بعضی از امور چنان اهمیت پیدا می‌کند که اهمیت آن از حرمت تفتیش نیز بیشتر است و به خاطر همین اهمیت، از حرمت تفتیش نیز دست برمی‌داریم؛ چون ممکن نیست در موارد التزام بین دو حکم شرعی، که مکلف بر اجرای هر دو قادر نیست، به هر دو حکم عمل شوند؛ به طور مثال، در التزام بین حرمت تفتیش و حفظ نظام، با توجه به اهمیت حفظ نظام، حرمت، عملی نمی‌شود، چون موضوع مفروض در باب التزام این است که مکلف بر جمع بین این دو قادر نیست. فقها روایات زیادی را، حتی در حد تواتر، نقل کرده‌اند که بر اهمیت حفظ نظام و حکومت و حفظ اساس اسلام و مسلمین دلالت دارد و از مجموع آنها «حفظ نظام مجتمع اسلامی» عملی واجب و مقدم بر دیگر امور دانسته می‌شود. مثلاً از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرموده: «جایگاه والی و سرپرست امور در میان جامعه، همچون نقش نخ‌ است که دانه‌های تسبیح را دور خود جمع کند، و آنها را از پراکندگی حفظ نماید. هرگاه نخ پاره شود، دانه‌ها نیز از هم خواهند پاشید و هرکدام به سویی خواهند افتاد که هرگز دور هم جمع نشوند.» (فیض السلام، ۱۳۵۱، ص ۴۴۲)

ظاهر لسان این روایات گویای اهمیت فوق‌العاده‌ی آن است و این مسئله باعث می‌شود که حرمت تفتیش درباره‌ی امور حفظ نظام، عملی نشود و مسئولان امر مجاز خواهند بود هرگونه امور مشکوک تفتیش کنند تا ضرر و خطری برای اسلام و مسلمین پیش نیاید و این مسئله کاملاً عقلی و عقلانی است.

ممنوعیت اشاعه‌ی فحشاء

فحشاء در لغت به معنای معصیت، عمل زشت، بدی که از حد بگذرد



یا زنا و نابکاری است. (معین، ۱۳۵۳ ج ۲، ص ۴۹۰) فحش و فحشاء و فاحشه به معنای هرگونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد. (راغب اصفهانی، مفردات) در قرآن مجید نیز گاهی در همین معنای وسیع به کار رفته، مانند: (والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش)؛ کسانی که از گناهان بزرگ و از اعمال زشت دوری می‌کنند. (شوری، ۳۷) خداوند در آیه ۱۹ سوره‌ی نور آشکارا اشاعه‌ی فحشاء را ناروا دانسته و به کسانی که به این کار علاقه دارند، وعده‌ی عذاب داده است: (إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)؛ آنان که دوست می‌دارند کار منکر در میان اهل ایمان منتشر شود، آنها در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. در تفسیر بخش اول این آیه دو احتمال وجود دارد:

۱- کسانی که دوست دارند اعمال ناپسند موجود در میان مؤمنین (که برخی از آنان بدان رذایل آلوده‌اند) رواج یابد، عذاب دردناکی خواهند داشت.

۲- یا اینکه عبارت «فِي الَّذِينَ آمَنُوا» درباره‌ی «تشیع» باشد که در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود: کسانی که دوست دارند اعمال ناپسند در میان مؤمنان منتشر شود، عذاب دردناکی خواهند داشت. طبق هر دو احتمال، این آیه بر خواست ما یعنی اشاعه‌ی مطالب خلاف عفت و اخلاق عمومی به دست عموم و به ویژه مقامات تحصیل‌کننده‌ی دلیل دلالت می‌کند؛ اگرچه احتمال اول، قرابت بیشتری با خواست ما دارد.

شایان ذکر است که اگرچه آیه درباره قذف نازل شده اما ملاک، عمومیت وارد است نه خصوصیت مورد (ملاک عمومیت، لفظ آیه است نه خاص بودن سبب نزول آن). بنابراین باید آیه را به طور عام تفسیر کرد. (فخررازی، ۱۳۵۷ ج ۲۳، ص ۱۸۳)

در روایات نیز نقل شده که آشکار کردن بدی مؤمن، مصداق آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نور است: "من قال فی مؤمنٍ مارآه عیناه و سمعته اذناه فهو من

الذین قال الله عزوجل: (إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)؛ "هرکس درباره‌ی مؤمنی چیزی را بگوید که با دو چشمش دیده و با دو گوشش شنیده، از کسانی است که خداوند عزوجل درباره‌ی آنها فرموده است: آنان که دوست می‌دارند کار زشتی در میان اهل ایمان منتشر شود، برای آنها در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود." کسانی که درباره‌ی اسرار مؤمنان تجسس کرده، چیزهایی را که او می‌خواهد مخفی کند، منتشر می‌سازند، مصداق این حدیث هستند. از مجموع روایات اسلامی و تفسیرهایی که درباره‌ی آنها بیان شده، چنین برمی‌آید که افشای برخی مسائل خصوصی دیگران، حتی با یقین به وقوع آن، مجاز نیست؛ زیرا اشاعه‌ی فحشا محسوب می‌شود.

حضرت امام خمینی (ره) نیز در بند (ماده‌ی) ششم فرمان خود بیان می‌دارند که: "هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود، یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود. یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم، هر چند گناه، بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده، ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه‌ی فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد."

تضمینات قانونی درباره‌ی سوء استفاده از اختیارات

برای قضاوت درباره‌ی ضمانت اجرای تحصیل ادله‌ی اثباتی از بستر نقض حریم خصوصی یا از بستر غیر مقصود مقام قضایی، باید بین موارد

نقض مؤثر و غیر مؤثر فرق گذاشت و احکام هر یک را جداگانه ارزیابی کرد.

۱- موارد نقض غیر مؤثر

موارد نقض غیر مؤثر را در دو فرض می‌توان بررسی کرد:

الف - چنانچه در فرآیند تحصیل دلیل، مقام قضایی مربوط یا ضابطان دادگستری تخلفی نکنند یا اگر تخلفی هم صورت گرفته، این تخلف به گونه‌ای نبوده که در تحصیل دلیل و مشروعیت آن مؤثر باشد و به تعبیر دیگر، چنانچه نقض صورت گرفته در مقام تحصیل ادله‌ی اثباتی جزئی و غیر مؤثر باشد، به نظر می‌رسد با توجه به اصل صحت عمل مقامات قضایی و اجرائی، دلیلی برای طرد دلیل به دست آمده و بی‌اثر بودن آن وجود نداشته باشد. به ویژه که نقض صورت گرفته، تنها «مقارن» عملیات تحصیل دلیل باشد و مبنای تحصیل دلیل به شمار نرود.

ب - چنانچه در فرض نقض حریم خصوصی یا حتی در موردی که مقام تحصیل کننده‌ی دلیل با مجوز قانونی درصدد کشف دلیل برای جرم خاصی است اما "به طور اتفاقی" با ادله‌ای روبرو می‌شود که از جرائم دیگر متهم حکایت می‌کند، در این فرض، چنانچه جرم دوم، از جرائم فوق‌العاده مهم و مرتبط با امنیت ملی و از قبیل جاسوسی و خیانت به کشور یا از جرائم سازمان یافته باشد، با توجه به اهمیت مورد و تقدم مصالح کشور بر مصالح فردی و با توجه اینکه این گونه افراد به صورت کاملاً سری سازمان‌دهی شده و با استفاده مصونیت‌های قانونی به برنامه‌ریزی و اقدام، علیه مصالح کشور و مردم می‌پردازند، به نظر می‌رسد ادله‌ای که علیه این گونه از متهمان به دست آمده، در هر حال، به آن توجه شده و نمی‌توان به صرف روش به دست آوردن دلیل، آن را از گروه دلایل علیه این گونه افراد خارج کرد. به این فرض، در قسمتی از فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام (ره) توجه شده است: «... آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های



مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچک و بزرگ و برای نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند که با آنان در هر نقطه که باشند و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز، با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود؛ لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود و در عین حال مأموران باید خارج از حدود مأموریت، که آن هم منحصر است به محدوده‌ی سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعی عملی انجام ندهند....»

۲- موارد نقض مؤثر

موارد نقض مؤثر در جایی است که نقض شیوه‌های قانونی تحصیل دلیل، باعث بی‌اعتباری دلیل تحصیل شده می‌شود و در دو فرض ذیل بررسی می‌شود:

نخست: آنکه مأموری که در مقام تحصیل دلیل است، با حکم قضایی، مأموریت دارد مکانی مرتبط با متهم را، اعم از فیزیکی یا مجازی، مورد بازرسی کند. اما به طور اتفاقی به مواردی برمی‌خورد که حفظ و نگهداری آنها، به طور مثال، فی نفسه، جرم محسوب می‌شوند. مطابق فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام(ره): «... اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی، از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهنو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه‌ی فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از



ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه‌ی نهی از منکر، به نحوی که در اسلام مقرر است، عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد...»

به این حکم، در همین فرمان با ادله‌ای از جمله حفظ حرمت اشخاص و منع از تجسس، تأکید شده است. بعلاوه، چون مأموران یاد شده، تنها در "جهت خاصی" اجازه و مأموریت تجسس را داشته‌اند و در دیگر مسائل، اساساً، صلاحیت و ولایتی برای تصرف در ملک غیر نداشته‌اند. اصل اول این است که کسی بر دیگری ولایت ندارد (لاولایة لاحد علی احد). بنابراین، هیچ کس نمی‌تواند حکمی علیه دیگری صادر کند و در صورت صدور حکم نیز هیچ اثری بر آن بار نمی‌شود؛ مگر دلیلی قطعی از عقل و شرع بر آن دلالت کند (انصاری، ۹، ص ۳۱۵) و اگر عمومیت ادله حجیت علم قاضی در این موارد محل تردید باشد، اصل بر عدم ترتب آثار بر این قبیل احکام است (نجفی، بی تا ۴۰، ص ۸۹) بنابراین، به ویژه با توجه به اصل عدم ولایت، مأموران گردآوری دلیل، درباره‌ی مازاد از آنچه بدان مأمور شده‌اند، صلاحیت شرعی و قانونی نداشته‌اند و دلیل به دست آمده که جزو مأموریت آنها نیست، فی نفسه، نمی‌تواند علیه متهم اقامه شود.

دوم: آن‌که مأموری که در مقام تحصیل دلیل است، با استفاده از بستر نقض حریم خصوصی افراد و ورود به حریم خصوصی افراد، دلیلی را علیه متهم تحصیل کرده باشد. در این صورت، به نظر می‌رسد، به جز مواردی که در نقض غیر مؤثر به آنها اشاره شد، دلیل تحصیل شده، فی نفسه نمی‌تواند مبنای صدور حکم علیه افراد و مجرمیت آنان قرار گیرد. از همین رو شایسته است که انواع ضمانت اجرای پیش رو در دو فرض یاد شده، به ویژه در کلام حضرت امام (ره) در فرمان ۸ ماده‌ای، بررسی شود.

ضمانت اجرای تحصیل دلیل با روش‌های غیر قانونی:

رسیدن به دلیل، با استفاده از روش‌های غیر قانونی و یا با نقض حریم خصوصی افراد ممکن است با ضمانت اجراهای متفاوتی روبرو شود. از یک سو لازم است وضعیت دلیل تحصیل شده از نظر صحت و بطلان، معلوم شود (ضمانت اجرای وضعی) و از سوی دیگر، افرادی از مأموران دولت یا دیگر شهروندان که جسارت یافته‌اند بر خلاف اصول و مبانی مسلم فقهی و حقوقی، به حریم امن شهروندان جامعه تعرض کنند، باید با ضمانت اجرای مناسب با عمل خویش روبرو شوند و به کیفر عمل خویش برسند (ضمانت اجرای کیفری).

به این دو نوع ضمانت اجرا نیز در فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام (ره) و دیگر آثار ایشان به خوبی اشاره شده است از همین رو، در این قسمت درباره‌ی ضمانت اجرای وضعی و مبانی آن مطالبی بیان می‌شود و در پایان نیز به صورت گذرا به ضمانت اجرای کیفری پرداخته خواهد شد.

ضمانت اجرای وضعی:

احکام وضعی، به احکامی از قبیل صحت، بطلان نفوذ و امثال آن گفته می‌شود که به طور قهری درباره‌ی مورد خود به کار گرفته و تابعی از علم و جهل به شمار نمی‌رود. (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰) چون صحت یا بطلان دلیل تحصیل شده از رهگذر نقض حریم خصوصی، در این بحث، اهمیتی دو چندان دارد، لازم است ارزش ادله‌ی تحصیل شده به طریق یاد شده و حکم وضعی آن بررسی شود.

دلیل تحصیل شده به طریق غیرقانونی و نقض حریم خصوصی افراد (مکانی، اطلاعاتی و ارتباطاتی) از نظر وضعی چند گونه مطلب را می‌توان بیان کرد. نخست آنکه این ادله، باطل و به طور کلی از هرگونه سندیت، اعم از دلیلیت و یا قرینیت، ساقط است. دوم آن‌که، صرفاً از «دلیلیت» ساقط است اما قاضی با نگاه «قرینیت» و «در جنب سایر قرائن» می‌تواند به

آن توجه کند. سوم آن که باید بین ادله‌ای که در دعاوی کیفری و ادله‌ای که در مقام اثبات دعاوی حقوقی مطرح می‌شود، فرق گذاشت. از این رو در ادامه این سه دیدگاه، اجمالاً و با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام (ره) بررسی خواهد شد.

۱- بطلان و اسقاط کلی دلیل تحصیلی

اختیارات دادرسی (نماینده‌ی جامعه) و ضابطان قضایی آن‌چنان وسیع و علیه متهم است که به تضمینات مهمی برای رعایت تشریفات الزام‌آور قانونی در برابر سوء استفاده از اختیارات در مرحله‌ی تعقیب و تحقیق و نیز استفاده از روش‌های غیرقانونی نیاز دارد. به همین سبب، نقض قواعد مزبور معمولاً موجب بطلان دلیلی می‌شود که به این طریق تحصیل شده است؛ به عبارت دیگر، دلیل تحصیل شده، مطلقاً ارزش اثباتی ندارد و در مقام دادرسی نیز به هیچ گونه، حتی به صورت قرینه و اماره‌ای که در کنار سایر قرائن گیرد، ارزش اثباتی ندارد. در فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام (ره) عبارت‌هایی آمده که می‌توان برای توجیه این دیدگاه از آنها استفاده کرد. ایشان در قسمتی از فرمان یاد شده می‌فرمایند: «...اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا نمایند... و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است». بنابراین، حتی اگر در حالت عادی، و در فرض نقض نکردن شرایط شکلی تحصیل، این ادله کاملاً مورد خود را ثابت کند، اما در فرض یاد شده، به هیچ گونه نباید به آنها توجه کرد. نکته‌ی شایان ذکر این است که در چنین زمانی دادرسی نیز حتی با کمک علمی که از رهگذر این گونه ادله برای وی حاصل می‌شود (علم قاضی) نمی‌تواند رأی صادر کند، زیرا اولاً، این به معنای نقض غرض خواهد بود؛ ثانیاً، شرط

است که علم قاضی از طریق متعارف حاصل شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۵، ص ۱۵؛ آهنی، ۱۳۸۱، ص ۳۸ و مقتدایی، ۱۳۷۶، صص ۳۵ و ۳۴) و تحصیل دلیل با روش نقض حریم افراد، روش متعارف محسوب نمی‌شود. توضیح این‌که، مبادی علم قاضی یا از مبادی متعارف و قانونی تحصیل می‌شود یا از مبادی غیرقانونی و از جمله از طریق نقض حریم خصوصی اخذ می‌شوند. به نظر می‌رسد قسم دوم، اساساً داخل در علم قاضی به معنای مرسوم قرار نمی‌گیرد؛ زیرا مراد از علم اطمینانی است که از طریق متعارف به دست آمده باشد. محقق نراقی در این باره می‌گوید، علمی که در مسائل شرعی، حجت و وعتر است و حجیت و اعتبار آن به دلیل و برهان نیاز ندارد همان علم عادی است. (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۳) بنابراین، علمی دارای حجت است که از راه‌های متعارف به دست آید. از این رو علمی که از طریق غیر عادی به دست آید، حجت نیست و ادله حجیت علم از این موارد منصرف است.

هم‌چنین علم قاضی در امر قضاوت موضوعیت دارد نه طریقت و قانونگذار می‌تواند برای آن، شروطی را معین کند؛ از قبیل این که از طریق متعارف و بدون نقض مقررات، حاصل شود. بنابراین، علم قاضی این ویژگی را دارد که اولاً، علم موضوعیت دارد؛ ثانیاً، باید از طریق خاصی باشد نه از هر طریق از جمله با نقض حقوق مسلم شخص موضوع اتهام. بنابراین، اگر علم قاضی و ادله تحصیل شده از مبادی حسی معقول و متعارف و قانونی تحصیل شده باشد، به طور مطلق حجت خواهد بود ولی اگر ادله تحصیل شده از مبادی غیر قانونی تحصیل گردد باید قایل به تفصیل شد؛ اگر نقض حریم خصوصی ناچیز و غیر مؤثر باشد، ادله تحصیلی دارای ارزش اثباتی بوده و حجیت خواهد داشت اما اگر نقض مهم و ناظر به مقوله‌های مهم باشد، باشد ادله تحصیل شده فاقد ارزش خواهد بود. تفصیل دیگر این‌که، بین موارد مهم از قبیل جرایم سازمان یافته، جاسوسی، و قاچاق سازمان یافته مواد مخدر و نظایر آن، با موارد



عادی، تفاوت قایل شویم. در مورد اول، در هر حال، محل جریان آثار قانونی و در مورد اول و در هر حال، محل جریان آثار قانونی و در موارد دیگر فاقد اثر خواهد بود.

ممکن است گفته شود، در صورت علم مکلف به موضوع، تکلیف در مورد او فعلی می‌شود و در مخالفت کردن با آن معذور نخواهد بود. چگونه است که در فعلیت چنین تکلیفی در جایی که مکلف، قاضی و در مقام قضاوت باشد، فعلیت پیدا نمی‌کند؟

علم قاضی نسبت به تکلیف شخص قاضی طریقی است اما نسبت به وجوب ترتیب اثر دادن به آن بر دیگران موضوعی است و نهایت چیزی که استدلال فوق ثابت می‌کند این است که علم قاضی نسبت به وظیفه خود قاضی بر او حجت است و دلالتی بر حجیت علم قاضی از این جهت که موضوع عمل دیگران است ندارد. (مؤمن، محمد، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۳)

هم‌چنین از برخی روایات استفاده می‌شود که مقصود از حکم کردن براساس قسط و عدل، خود حکم به حق و قسط و عدل از نفس واقعه خارجی نیست؛ چرا که لازمه آن این است که قضاوت کردن از آثار نفس واقع باشد نه از آثار حجیت بر واقع. در حالی که مثل این معنا، منافی روایتی است که می‌فرماید: «رجل قضی بالحق و هو لایعلم»؛ زیرا ظاهر این است که چنین قضاوتی نه از جهت تکلیفی و نه از جهت وضعی جایز نیست. بنابراین، عموماً از این دست، اثبات نمی‌کند که با هر دلیلی بتوان فصل خصومت کرد. (همان، ص ۵۴) هر چند برخی (مؤمن؛ پیشین) حمل کردن حق مذکور در روایت را به حق بودن نحوه رسیدگی و حل و فصل خصومت خلاف ظاهر روایت و بلکه خلاف صریح آن می‌دانند. در عین حال می‌توان گفت، روایت یاد شده، به دلالت تضمینی می‌تواند به نحوه رسیدگی و فصل خصومت نیز دلالت کند و ای بسا نحوه رسیدگی و وصول دلیل نیز در حق و نفس الامر دخالت داشته باشد؛ به خصوص اگر علم قاضی به نحو موضوعی و نه طریقی مورد ملاحظه قرار گیرد.

ثالثاً، عام بودن کلام حضرت امام در فرمان هشت ماده‌ای، و نهی شدید ایشان برای استفاده از دلیل تحصیل شده از طرق نقض حریم افراد بیانگر آن است که قاضی حتی به بهانه‌ی علم آور بودن ادله‌ی تحصیلی برای وی، نمی‌تواند با استناد به ادله‌ی یاد شده حکم صادر کند.

۲- تنزل دلیل تحصیلی در حد قرینه:

ممکن است این گونه استدلال شود که اگرچه دلیل تحصیل شده به دست مأموران، از بستری تأمین شده که قانون‌گذار از آن حمایت نمی‌کند، اما در عین حال، آن چه به دست آمده را حداقل به راهی برای حصول علم قاضی یا اماره‌ای که با ضمیمه شدن به سایر قرائن و با اعتماد و تکیه بر قرائن دیگر موضوعیت می‌یابد، دانست. شأن این‌گونه از ادله از اخبار فرد غیر ثقه کمتر نیست که با ضم به سایر قرائن مثبت، صحت مفاد آن خبر تأیید می‌شود. و آنچه در فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام (ره) آمد، از این حیث در مقام بیان نبوده است.

تفصیل بین دعوی کیفری و حقوقی

لایحه‌ی حریم خصوصی که هم اینک در قالب طرحی در مجلس شورای اسلامی مطرح شده، به موازات امور کیفری، پذیرش ادله‌ی اثباتی به دست آمده از نقض حریم خصوصی را نیز مردود می‌شمارد. اما به نظر می‌رسد چون در امور مدنی و به ویژه در دعاوی بین اشخاص خصوصی به امور مرتبط با نظم عمومی تعرض نمی‌شود و مهم، احقاق حق مدعی خصوصی است، پس نفی ارزش ادله‌ی اثباتی به دست آمده از نقض حریم خصوصی، بی‌اشکال نیست.

ضمانت اجراهای جزائی:

در قانون علیه کسی که از راه‌های نادرستی مانند استراق سمع، به

کارگیری میکروفون و یا ضبط مکالمات تلفنی استفاده کرده، ضمانت
اجراهای جزایی پیش بینی شده است.
در قوانین کیفری نیز نمونه‌هایی مشاهده می‌شود که درباره‌ی مجازات
افراد است که به نقض حریم خصوصی می‌پردازند. به طور مثال، طبق
ماده‌ی ۶۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، هر یک از مستخدمان و
مأموران دولتی که مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در
غیر مواردی که قانون اجازه داده، مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی، ضبط و
یا استراق سمع کند یا اینکه بدون اجازه‌ی صاحبان آنها مطالب آنها را افشا
کند، به انفصال از شغل خود و خوردن شلاق تا ۷۴ ضربه و یا حبس از
شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

نتیجه:

۱- سیستم حقوقی ایران، در سلسله مراتب ادله و ارزش اثباتی آن، بر
نظام ادله‌ی قانونی متکی است. بنابراین ارزش اثباتی دلیل، از نظر بار اثباتی
نفس دلیل و نیز از نظر روش تحصیل دلیل و امکان تأثیرگذاری بر فرآیند
اثبات مدعا، تابع مشروعیت پیشین است و این‌گونه نیست که از اقناع
قاضی از هر طریقی شود بتوان برای اثبات مدعای یکی از اطراف دعوی و
صدور حکم نهایی استفاده کرد.

۲- در دین اسلام و نظریات علمای آن، به لزوم تحصیل دلیل از طرق
مشروع و متعارف و منع نقض حریم خصوصی برای تحصیل دلیل علیه
افراد توجه شده و حضرت امام خمینی (ره) نیز برای تبیین یکی از احکام
درخشان و پیشرو اسلام به این امر مهم در فرمان هشت ماده‌ای خویش
توجه کرده و به رعایت آن دستور داده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به
اهمیت این موضوع، محافل، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به
این امر مهم توجه کرده‌اند که این موضوع خود از جهان شمول بودن
دغدغه‌های مربوط به نقض حریم خصوصی حکایت دارد.

۳- اگرچه کلیت لزوم تحصیل دلیل همراه با پاره‌ای جزئیات، در فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام «ره» آمده اما به نظر می‌رسد لازم است در این باره قانونی جامع با ذکر تمام جزئیات و برای پرهیز از هر نوع افراط و تفریط اجرائی تصویب شود.

۴- به نظر می‌رسد بحث درباره‌ی ارزش اثباتی ادله‌ی به دست آمده از نقض حریم خصوصی که در فرمان هشت ماده‌ای امام (ره) آمده، درباره‌ی به امور کیفری بوده و مسائل امور حقوقی به بحثی جداگانه نیاز دارد، اگرچه متأسفانه لایحه‌ی حریم خصوصی و پیامد تصویب نهایی آن در طرح حریم خصوصی، بدون توجه به این موضوع مهم هر دو قسم ادله را از حیث اثباتی بی‌ارزش دانسته که جای تأمل دارد.

۵- مفهوم ادله‌ی اثباتی به دست آمده از نقض حریم خصوصی، به این معناست که دلیل اقامه شده در مقام اثبات جرم و در مقام دادرسی، از رهگذر تجاوز به حریم خصوصی افراد، از جمله حریم مکانی، حریم اطلاعاتی و حریم ارتباطی اشخاص و بدون توجه به اوامر و نواهی قانون‌گذار به دست آمده باشد.

۶- از دیدگاه نظری لزوم تحصیل دلیل از طرق مشروع و ممنوعیت نقض حریم اشخاص در فرآیند تحصیل دلیل، بر مبنای متعددی از جمله، اصل براءت، قاعده‌ی درء، نظم عمومی، لزوم ثقه بودن مخبر(موثق بودن خبر)، منع از تجسس، عدالت اجتماعی و لزوم حفظ اعتماد عمومی مردم به اعمال حکومت استوار است.

۷- چنانچه نقض صورت گرفته، مبنای تحصیل دلیل بوده و دلیل از رهگذر آن به دست آمده باشد، باعث بطلان دلیل تحصیل شده و ممکن نبودن استناد به آن در محکومیت متهم خواهد بود و بعلاوه، مطابق مقررات، این امر، مجازات مرتکبان این گونه اعمال را در پی خواهد داشت. اما اگر نقض صورت گرفته، در مقام تحصیل دلیل جزئی و غیر مؤثر بوده یا صرفاً مقارن با عمل تحصیل دلیل باشد، یا مورد اتهام از موارد بسیار مهم مانند جاسوسی، توطئه علیه نظام، جرائم سازمان یافته و یا مانند

آن باشد، دلیل تحصیل شده می‌تواند در رأی دادگاه اثرگذار باشد. این موضوع به ویژه از عبارتهایی از فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام (ره) به دست می‌آید.

بدیهی است با توجه به زمینه‌ی موجود در حقوق اسلامی درباره‌ی جرم، از دلایل تحصیل شده از راه نقض حریم خصوصی، به دلیل جنبه‌ی عمومی و گاه سازمان یافتگی آن و بنا بر ترجیح منافع عمومی این گونه رفتارها، جز در شرایط کاملاً کنترل شده و مواردی که کشف نکردن آنها زیان بیشتری را نسبت به کشف آنها با نقض حریم خصوصی دارد، نباید استفاده کرد.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. آزمایش، دکتر علی، «رعایت حقوق فردی در دادرسی بین‌المللی کیفری با تأکید بر حقوق متهم»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی مسائل حقوق بین‌الملل بشر، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱.
۳. آشوری، دکتر محمد، «اصل براءت و آثار آن در امور کیفری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۹، ص ۱۳۷۲.
۴. آقای نیایا، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ دوم، میزان، تهران، ۱۳۸۶
۵. ش
۵. امیر ارجمند، دکتر اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر (اسناد جهانی)، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱
۶. پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، ج اول، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۲
۵. ش
۷. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، مطبوعه التقدم العربی، ۱۳۹۲ ه.ق
۸. رنجبریان، دکتر امیرحسین «جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره هفتادم، زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۸۴ - ۱۴۷.
۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق التنزیل، نشر ادب الحوزه، ج ۳.
۱۰. شاملو، دکتر باقر، «اصل براءت کیفری در نظامهای نوین دادرسی»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، نشر سمت، پائیز ۱۳۸۳، ص ۲۷۸.
۱۱. شاملواحمدی، محمدحسین، دادسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان، نشر دادیار، ۱۳۸۳.
۱۲. طباطبایی. محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، موسسه النشر



- الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ه.ق
۱۳. فیروزآبادی، مجدالدین، قاموس المحيط، مطبعة السعادة، قاهره، ۱۹۶۲م
۱۴. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، انتشارات مصطفوی، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش
۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۳ه.ش
۱۶. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۱۳، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم
۱۷. هاشمی، دکتر سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۴
۱۸. خویی ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی، ۱۴۲۲ ق، قم
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، اصول الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۰. شهیدی، مهدی، اصول قراردادها و تعهدات، ۱۳۸۵، ج ۴، تهران، مجد
۲۱. حویزی، عبد علی بن جعفر، نورالثقلین، ج ۵، ص ۹۳، (تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی) مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۴۱۲ق
۲۲. فیض السلام، شرح نهج البلاغه، تهران، ۱۳۵۱، چاپ سپهر.
۲۳. فخررازی، ۱۳۵۷، تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۱۸۳، طبع مصر
۲۴. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵ هـ. ق.، ج ۱۸، ص ۱۲۲
۲۵. طبرسی، ص ۱۳۷، ج ۹، تفسیر مجمع البیان، مترجم احمد بهشتی، مصحح موسوی دامغانی - انتشارات فراهانی، ۱۳۵۰
۲۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، الطبعة الاولى، دار صادر بیروت، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۸۲
۲۷. یزدیان جعفری، جعفر، دام گستری، مفهوم، مبانی و جایگاه آن در

- حقوق کیفری ایران، مجله فقه و حقوق، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۶
۲۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود، علم قاضی، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۸ قم زمستان ۱۳۷۵
۲۹. آهنی، بتول، اعتبار علم قاضی، ندای صادق، شماره ۲۵، تهران، بهار ۱۳۸۱
۳۰. مقتدایی، علم قاضی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۱۹ و ۲۰ بهار و تابستان ۱۳۷۶
۳۱. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۴۱ و ۴۲، بیروت دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بی تا.
۳۲. هاشمی شاهرودی، محمودی، «علم قاضی»، فصلنامه فقه اهل بیت، قم، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۷۶.
۳۳. مؤمن، محمد، «اعتبار علم قاضی در دعاوی»، مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۲، زمستان ۸۷، صفحه ۳۴ تا ۶۷.
۳۴. انصاری، مرتضی (شیخ)، المکاسب، قم، انتشارات دهقانی (اسماعیلیان)، ۱۳۷۲ ش.

